

آزاده

برای سیما

صبح آمد و خورشید در افق
سفرهء صفا و سخاوتش را گشود
در نور و نوازشش اشکِ شوق
نغمهء مهرورزی به زندگی سرود
گفتمش بین از اعجازِ مهری چنین
خورشیدها خجسته زاده ام
چون راه سازندگی روم مهروار و مبین
روشن ضمیرِ دل آرامِ آزاده ام



Rotenburg an der Fulda

بیست و یکم آبان هزار و سیصد و نود و پنج